


اعتبارسنجی صدور و دلالتی مشورت‌های سیاسی - اجتماعی پیامبر ﷺ

در اعتبار رأی اکثریت

کمال‌الکاسم کریمی / دانش‌پژوه کارشناسی ارشد گروه فقه سیاسی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی

Arefi2255@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-2396-5449

shaban1351@yahoo.com

قاسم شبان‌نبا، رکن‌آبادی / دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

چکیده

به‌رغم دستور قرآن کریم به پیامبر برای مشورت در امور سیاسی - اجتماعی و نقل برخی موارد از سیره مشورتی پیامبر ﷺ می‌توان رویکرد دولت اسلامی در امور منوط به مشورت و میزان اعتبار رأی اکثریت در این امور را تبیین نمود. این پژوهش با ارزیابی فقهی دلالتی و صدور مشورت‌های پیامبر ﷺ ضمن پذیرش مشورت در شیوه حکمرانی دینی، حکومت اسلامی را از قرار گرفتن در تنگنای لزوم تبعیت از رأی اکثریت خارج نموده تا با ملاحظه شرایط و مصالح بتواند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید. از این رو ضمن تبیین «ماهیت مشورت» کنار گذاشتن برخی موارد ذکرشده در شمار مشورت‌های پیامبر ﷺ در نهایت چهارده مورد از مشورت‌های ایشان در ذیل «مشورت در امور نظامی» و «مشورت در امور اجتماعی» مورد ارزیابی صدور و دلالتی قرار گرفته‌اند که در اعتبارسنجی صدور علاوه بر بررسی سند از شیوه تجمیع قرائن نیز بهره‌جسته شد و در ارزیابی دلالت نیز این مشورت‌ها ضمن تحلیل تحقق رأی اکثریت، میزان دلالت آنها بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت مورد توجه قرار گرفت و عدم دلالت آنها بر اعتبار رأی اکثریت تبیین گردید.

کلیدواژه‌ها: ماهیت مشورت، سیره پیامبر ﷺ، حکمرانی دینی، رأی اکثریت.

انسان‌ها همواره در تصمیم‌های مهم برای رسیدن به نتایج مطلوب، از نظر دیگران بهره جسته‌اند. گویا پیشینه مشورت (این امر عقلائی و عرفی) به تاریخ بشریت بازمی‌گردد. در اسلام نیز به‌سان بسیاری از امور عقلی و عقلائی دیگر علاوه بر تأیید و سفارش به مشورت، احکام و آدابی برایش بیان شده و به عنوان راهی برای دستیابی به نظر برتر و جلوگیری از استبداد معرفی کرده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۹۷-۱۰۴).

مشورت در زمره عناصر مؤثر در شیوه حکمرانی و طراحی ساختار حکومت برای تعامل سازنده با مردم قرار دارد. فقها و اندیشمندان عرصه نظام سیاسی اسلام نیز در تبیین شیوه حکمرانی و ساختار حکومت اسلامی ضمن توجه به اصل مشورت و شوری، در تعابیر و استدلال‌های خود مشورت‌های پیامبر ﷺ را مطرح کرده‌اند (ر.ک: حسینی حائری، ۱۳۹۹ق، ص ۱۹۷-۲۰۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱-۵۰).

مشورت‌های پیامبر ﷺ در امور شخصی یا در امور سیاسی - اجتماعی مربوط به تدبیر امور مسلمین و رهبری آنان بوده است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۴۷-۴۹)؛ زیرا براساس آیه ۳۶ سوره «حزاب» که هرگونه اختیار و اظهارنظر مؤمنان در موارد حکم خداوند و پیامبر ﷺ را جایز نمی‌داند، بنابراین ابلاغ وحی، بیان احکام، قضاوت و به طور کلی اموری که حکم آن از طریق وحی بیان شده از حیثه مشورت خارج‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۵). اصحاب نیز در اظهارنظرهای خود بدان توجه داشته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷). اهتمام آن حضرت به مشورت به حدی بود که در سیره ایشان ادعای کثرت مشورت (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۴)، و در روایتی تصمیم‌گیری حضرت را همواره بعد از مشورت بیان نموده‌اند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۱)؛ اما تنها موارد محدودی از آنها با سند غیرصحیح یا مرسل در منابع تاریخی - حدیثی شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق - ب، ص ۳۱-۳۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۴۰-۲۶۶).

هرچند موارد نقل از مشورت‌های پیامبر ﷺ در آثار و پژوهش‌های فقه سیاسی مطرح شده‌اند، اما شوربختانه از جهت ماهیت، سند و دلالت به‌طور شایسته مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته‌اند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱-۵۰؛ اراکی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۶۹-۳۹۵؛ حیدری خراسانی، ۱۳۷۷؛ سلطانی رنای، ۱۳۸۸).

برای تبیین دیدگاه اسلام در اعتبار رأی اکثریت برخی اندیشمندان فقه سیاسی در پژوهش‌های خود مشورت‌های را مورد توجه قرار داده و معتبر بودن رأی اکثریت را لازمه مشورت دانسته‌اند. در تبیین این ادعا به آیه ۱۵۹ سوره «آل عمران» استدلال کرده‌اند که پیامبر ﷺ بعد از اینکه مأمور به مشورت با مردم شدند برای رفع نگرانی آن حضرت از صواب بودن رأی اقلیت مأمور به توکل بر خداوند نیز شده‌اند (معرفت، ۱۳۷۶).

پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخ به این پرسش خواهد بود که اعتبار صدوری و دلالتی مشورت‌های سیاسی - اجتماعی پیامبر ﷺ در اعتبار رأی اکثریت به چه مقدار است؟ در عرصه گوناگون سیاسی که منوط به مشورت و نظرخواهی است به چه میزان رأی اکثریت اعتبار دارد؟ برای پاسخ به این پرسش با رویکرد فقهی ناگزیر

باید ابتدا با تبیین ماهیت مشورت به تحلیل موارد نقل شده در شمار مشورت‌های پیامبر ﷺ پرداخت و موارد خارج از حقیقت مشورت را معین نمود که در نهایت چهارده مورد از مشورت‌های پیامبر ﷺ در ذیل دو عنوان «مشورت‌های پیامبر ﷺ در امور نظامی و جنگ» و «مشورت‌های پیامبر ﷺ در امور عمومی و اجتماعی» برای ارزیابی سند و دلالت مطرح شد.

با توجه به ماهیت تاریخی اکثر این موارد و نقل مشورت‌های پیامبر ﷺ در منابع سیره و تاریخ به صورت مرسل یا سند ضعیف، برای اعتبارسنجی صدور آنها نمی‌توان صرفاً به شیوه متداول بررسی سند و توثیق راویان اکتفا کرد، بلکه باید از شیوه تجمیع قرائن بهره جست که در این شیوه علاوه بر بررسی موارد نقل روایت در منابع گوناگون شیعه و اهل سنت به تحلیل قرائنی نظیر شخصیت مؤلف، تاریخ تدوین، مأخذ، مرسل یا مسند بودن و میزان قوت این سند می‌پردازد و در نهایت با جمع‌بندی این شواهد، میزان اعتبار روایت به لحاظ اطمینان یا ظن به صدور یا ضعیف بودن آن تبیین می‌گردد.

در بررسی دلالت مشورت‌های پیامبر ﷺ بر اعتبار رأی اکثریت نیز باید اولاً تحقق رأی اکثریت در هر مورد جداگانه تبیین شود و ثانیاً دلالت آن بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت بیان گردد. بنابراین با روشن شدن میزان اعتبار رأی اکثریت در امور سیاسی - اجتماعی منوط به مشورت از منظر سیره مشورتی پیامبر ﷺ دولت اسلامی ضمن بهره‌جستن از مشورت در تنگنای لزوم تبعیت از رأی اکثریت قرار نگرفته و می‌تواند با توجه به شرایط و مصالح تصمیم‌نهایی را اتخاذ نماید.

۱. تبیین ماهیت مشورت

مشورت از ماده «شور» در لغت به معنای برداشتن غسل از کندوی زنبور و گرفتن نظر دیگران با مراجعه به آنها آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۹). در اصطلاح نیز آن را به معنای کسب نظر صحیح با مراجعه به عقل و تجربه دیگران دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۶۳). بنابراین نظرخواهی و مراجعه به دیگران برای گرفتن نظر آنها عنصری مؤثر در ماهیت مشورت است.

حال آنکه این ماهیت در موارد متعددی بر مشورت‌های نقل شده در سیره پیامبر ﷺ قابل تطبیق نیست و خارج از ماهیت مشورت هستند.

برای نمونه «تعیین سرنوشت اسرای جنگ بدر» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۹؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۹) که آن حضرت تصمیم‌گیری در این موضوع را به اصحاب واگذار کردند. یا مواردی نظیر «تعیین لشکرگاه در جنگ خیبر» (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۳۳-۶۴۳). «تغییر لشکرگاه در جنگ طائف»، البته با چشم‌پوشی از اشکال مضمونی آن (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۲۲-۹۲۶)، «پیشنهاد خلق و قربانی نمودن خود پیامبر ﷺ توسط ام‌سلمه» (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۱۹ و ۳۲۰) و «مخالفت با ذبح شتر به خاطر کمبود غذا در بازگشت از حدیبیه» (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۷۱) که اصحاب بدون هیچ‌گونه مشورت و نظرخواهی از سوی آن حضرت

اظهار نظر کرده‌اند و همچنین «تعیین سرنوشت بنی قریظه» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۰؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۹؛ ج ۲، ص ۵۱۰-۵۱۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۹؛ مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۸۸) که پیامبر ﷺ راهکار عملیاتی برای حل اختلاف مطرح نمودند در واقع مشورت نیستند و در شمار آنها قرار نمی‌گیرند. بنابراین در نوشتار حاضر به تحلیل و بررسی چهارده مورد از مشورت‌های پیامبر ﷺ خواهیم پرداخت.

۱-۱. مشورت در امور نظامی و جنگ

در سیره پیامبر ﷺ ادعای کثرت مشورت در امور نظامی و جنگ شده (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۴۱) و موارد متعددی نیز برای آن بر شمرده‌اند (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۴۰-۲۶۶). در ادامه با در نظر گرفتن ماهیت مشورت نه مورد از نظر خواهی‌های پیامبر ﷺ در امور نظامی و جنگ ضمن بررسی سند ابعاد مختلف دلالت آن مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۱. نحوه مواجهه با مشرکین در جنگ بدر

در جریان جنگ بدر پیامبر ﷺ و اصحاب ابتدا برای توقیف کاروان تجاری قریش از مدینه خارج شده و به طرف منطقه بدر حرکت کردند. *ابوسفیان* رئیس این کاروان با از اطلاع از این تصمیم مسلمانان ضمن تغییر مسیر کاروان، فردی را برای مطلع نمودن سران قریش به مکه فرستاد. سران قریش نیز با تجهیز لشکری به سوی بدر حرکت کردند. پیامبر ﷺ از طریق وحی از این ماجرا مطلع، و مأمور به جنگ با آنان شدند. تعدادی از اصحاب بعد از طرح مأموریت جنگ با قریش توسط آن حضرت ابراز ناراحتی و ترس کردند. پیامبر ﷺ با تعبیر «*أشیروا علی*» از اصحاب تقاضای اظهار نظر و مشورت‌دهی کردند. در این میان دو نفر مخالف ورزیدند و در نهایت *مقداد* و *سعد بن معاذ* از تصمیم پیامبر ﷺ برای جنگ حمایت کردند. آن حضرت از سخنان سعد خشنود شدند و دستور حرکت برای جنگ را صادر کردند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۵۴).

سند این روایت در تفسیر *علی بن ابراهیم* شامل *ابراهیم بن هاشم*، *فضالة بن ایوب*، *ابان بن عثمان* و *اسحاق بن عمار* است که *ابراهیم بن هاشم* به سبب جلالت و کثرت نقل بی‌نیاز از توثیق است. *فضالة بن ایوب* توثیق دارد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۰). *ابان بن عثمان* نیز علاوه بر توثیق بنا بر قولی از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۵). همچنین *اسحاق بن عمار* نیز توثیق دارد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۱). در نهایت سند آن به خاطر عامی بودن *فضالة بن ایوب* (همان، ص ۳۱۰) موثقه است که پذیرش آن در نهایت مبتنی بر اعتبار تفسیر *علی بن ابراهیم* خواهد بود (برای مطالعه بیشتر، رک: قاضی زاده، ۱۳۷۵). البته با توجه به تعدد نقل آن (با سندهای مختلف) در منابع اهل سنت همچون *المنزاری واقدی* (۲۰۷ق)، (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵)، *سیره ابن هشام* (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۶۲)، *صحیح مسلم* (مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۰۳-۱۴۰۴) و *تاریخ طبری* (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶) به صدور این روایت و مشورت پیامبر ﷺ با اصحاب در جریان مواجهه با مشرکان در جنگ بدر اطمینان حاصل می‌شود.

در جریان این مشورت رسول خدا ﷺ با جمع قابل توجه از مسلمین مشورت نمود که براساس آیه هفتم سوره «انفال» و برخی روایات (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۱۶۳ و ۱۶۴) اکثر اصحاب (خصوصاً مهاجرین که اموالشان در مکه مصادره شده بود) به تعقیب کاروان تجاری مشرکان تمایل داشتند. اما رسول خدا ﷺ برخلاف این تمایل که شاید بسیاری از آنان ابراز هم نکردند، فرمان جنگ با لشکر قریش را صادر نمود.

عدم تبعیت پیامبر ﷺ در این جریان از نظر اکثریت دلالت بر عدم اعتبار آن دارد. هدف و حکمت از این نظرخواهی نیز این دلالت را تأیید می‌کند. سعد بن معاذ پس از مشورت‌خواهی پیامبر ﷺ عرض کرد: «گویا منظور شما ما هستیم!؟» که نشان می‌دهد این نظرخواهی در واقع برای همراه و همدل نمودن اصحاب به‌ویژه انصار (که جنگ بدر خارج از پیمان حمایتی آنان با پیامبر ﷺ بود) می‌باشد.

۱-۲. نحوه رویارویی با مشرکان در جنگ احزاب

در سال پنجم هجری با رهبری ابوسفیان، ائتلاف نظامی بین قبایل قریش علیه مسلمین شکل گرفت. پیامبر ﷺ بعد از اطلاع از این تصمیم مشرکین با اصحاب خود مشورت کردند. در میان نظرات هریک از اصحاب سلمان فارسی پیشنهاد دفاع به شیوه مردم فارس در برابر لشکر دشمن را مطرح نمود؛ اینکه با حفر خندق عمیق در اطراف شهر و ایجاد سنگرهایی در اطراف آن برای پرتاب تیر به دشمنان مانع عبور آنان از خندق شوند. این پیشنهاد مورد قبول آن حضرت و اصحاب قرار گرفت.

این جریان در تفسیر علی بن ابراهیم (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۶ و ۱۷۷)، ارشاد شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶)، مناقب شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۸)، اعلام السوری (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۹۰) از منابع شیعه؛ و المغازی و اقدی (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴۱-۴۴۵)، و تاریخ طبری (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۴) از منابع اهل سنت به صورت مرسل نقل شده است که از تعدد نقل آن در منابع شیعه و اهل سنت اطمینان به صدور آن حاصل می‌شود.

در این نظرخواهی نیز پیامبر ﷺ با گروهی از اصحاب مشورت کردند. افراد و گروه‌های مختلف از اصحاب نظرات خود را بیان کردند که در نهایت پیشنهاد سلمان فارسی مورد پذیرش آن حضرت واقع گردید. اما در این مورد هم به سبب اختلاف نظر اصحاب، نمی‌توان ادعا کرد که در این مورد رأی اکثریت با نظر سلمان موافق بود. بنابراین این مورد هم دلالت بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت ندارد.

۱-۳. نحوه رویارویی با مشرکان در جنگ احد

یکی دیگر از مشورت‌های پیامبر ﷺ با اصحاب، «شیوه مواجهه با مشرکان در جنگ احد» بود که خلاصه آن براساس تفسیر علی بن ابراهیم، چنین است که مشرکان مکه برای انتقام کشتگان خود در جنگ بدر حدود یک سال بعد از آن تصمیم به جنگ با پیامبر ﷺ گرفتند. آن حضرت پس از اطلاع از این تصمیم از طریق وحی ضمن فراخواندن اصحاب و مطلع نمودن آنان به جهاد تشویق نمودند. برخی اصحاب دفاع در شهر مدینه را پیشنهاد دادند

و در مقابل سعدبن معاذ و برخی افراد قبیله اوس با این پیشنهاد جنگ در بیرون از مدینه را مطرح کردند. پیامبر ﷺ در نهایت نظر جنگیدن در بیرون شهر را پذیرفت و از مدینه خارج شدند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱).
واقدی در **المغازی** با قدری تفاوت این گونه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ با توجه به آنچه در عالم رؤیا دیده بودند، نظر مبارکشان بر جنگیدن در داخل مدینه و صحت تاکتیک دفاعی آن بود. اما درعین حال پس از مشورت با اصحاب، نظر آنها را پذیرفت. در ادامه نیز هر چند طرفداران جنگ در خارج مدینه از مخالفت خود پشیمان شدند اما پیامبر ﷺ در تصمیم خود تغییر ندادند (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۱۲). این مطلب با تفاوت‌هایی در اجمال و تفصیل در **سیره ابن هشام** (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۸)، **تاریخ یعقوبی** (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷) و **تاریخ طبری** (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۰) نیز نقل شده است. در تفسیر علی بن ابراهیم، **سیره ابن هشام** و **تاریخ طبری** تصریح به مشورت نشده، اما نه فقط منافات با مشورت آن حضرت با اصحاب ندارد، بلکه به آن اشاره نیز دارد.

سند این روایت در **تفسیر علی بن ابراهیم** صحیح است؛ اما بر فرض عدم پذیرش نسخه موجود این کتاب به سبب نقل آن در **المغازی** و **تاریخ طبری** - همراه با سند - و در **سیره ابن هشام** و **تاریخ یعقوبی** - بدون بیان سند - در نهایت ظن به صدور آن حاصل می‌شود.

در این مشورت چون رسول خدا ﷺ علی‌رغم میل باطنی (طبق برخی نقل‌ها) پس از اصرار برخی اصحاب و جوانان جنگ در بیرون مدینه را پذیرفتند، احتمال ترجیح و اعتبار رأی اکثریت وجود دارد. حال آنکه چنین احتمالی صحیح نیست؛ زیرا وقتی این گروه از اصحاب (پس از تذکر بزرگان اصحاب که نظر خود را بر پیامبر ﷺ تحمیل نکنند) با اظهار پشیمانی تصمیم را به خود حضرت واگذار کردند. آن حضرت با وجود موافقت اکثریت برای جنگ در مدینه تصمیم خود را تغییر ندادند. بنابراین این جریان دلالت بر عدم اعتبار رأی اکثریت دارد. در آغاز نیز آن حضرت نیز احتمالاً به خاطر امور دیگری نظیر شدت علاقه و اصرار جوانان برای جنگ در بیرون شهر آن را پذیرفته‌اند (ورعی، ۱۳۸۰).

۱-۴. مصالحه با برخی قبایل در جنگ احزاب

تصمیم به مصالحه با برخی قبایل در جنگ احزاب از دیگر مواردی است که در شمار مشورت‌های پیامبر ﷺ برشمرده‌اند. پس از گذشت بیست روز از محاصره مسلمانان در جنگ احزاب توسط کفار، تقریباً همگی درمانده و عاجز شدند. پیامبر ﷺ با مشاهده ضعف در قلوب برخی مسلمانان شخصی را به سراغ عیینه بن حصن، و حارث بن عوف - از سران قبائل محاصره‌کننده - فرستادند و پیغام دادند که در صورت بازگشت آنان و همراهانشان و منصرف کردن دیگر قبایل، یک‌سوم محصول خرماي مدینه را به آنها خواهد داد.

رسول خدا ﷺ با فراخواندن سعدبن معاذ و سعدبن عباده با آنها مشورت فرمودند. آن دو نیز گفتند اگر دستور آسمانی نیست و خودتان به آن تمایلی ندارید بلکه با ما مشورت می‌فرمایید، نظر ما بر جنگ آنهاست و برای آنها

پیش ما چیزی جز شمشیر نیست. پیامبر ﷺ ضمن پسندیدن این نظر با وعده پیروزی سایر مسلمین را تشویق به جهاد کردند. این جریان بدون ذکر سند در *ارشاد شیخ مفید* (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷)، *مناقب ابن شهر آشوب* (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۸) و با اندکی تفاوت همراه با بیان سند در *المغازی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۷۷ و ۴۸۸) و *تاریخ طبری* (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۴) از منابع اهل سنت نقل شده است. بنابراین به سبب نقل آن در این چهار منبع در نهایت ظن به صدور حاصل می‌شود.

در این جریان نیز به دلیل صرف نظر کردن پیامبر ﷺ از تصمیم خود بعد از مشاهده مخالفت *سعد بن معاذ* و *سعد بن عباد* توهّم ترجیح و اعتبار رأی اکثریت وجود دارد. حال آنکه هدف پیامبر ﷺ از این مصالحه صرفاً دفاع از کیان انصار، جان و مال مردم مدینه بود که پس از مشورت و مشاهده صلابت رأی آنان در عزم بر مقاومت و پایداری نظر آنان را پذیرفت (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۹). بنابراین دلالت بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت ندارد.

۱-۱-۵. تعیین لشکرگاه در جنگ بدر

از دیگر موارد نقل شده در شمار مشهورهای پیامبر ﷺ «تعیین لشکرگاه مسلمین در جنگ بدر» است. سپاه اسلام پس از رسیدن به منطقه بدر ابتدا در پشت چاه بدر اردو زد. آنگاه رسول خدا ﷺ در مورد محل استقرار لشکر از اصحاب نظرخواهی نمودند. *حباب بن منذر* از آن حضرت پرسید که انتخاب این مکان بر اساس وحی الهی یا نظر شخصی خودشان بوده است؟ آن حضرت انتخاب این مکان را نظر خود دانستند. حباب قراردادن لشکرگاه در جلو چاه بدر را پیشنهاد داد تا در صورت عقب‌نشینی، چاه آب را از دست ندهند. جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و نظر او را تأیید نمود و پیامبر ﷺ نیز آن را پسندید.

این جریان با اندک تفاوت‌هایی و با سندهای مختلف در *المغازی* و *واقعی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹-۵۴)، *مستدرک حاکم نیشابوری* (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۸۲)، *البدایه ابن کثیر* (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۲۷)، و *السیره النبویه* (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۷) نقل شده است. حدیث‌شناسان اهل سنت این حدیث را ضعیف دانسته‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۸۲). سند *سیره ابن هشام* نیز به دلیل عدم بیان برخی واسطه‌ها، سند *البدایه و النهایه* به دلیل تضعیف کلبی و سند *مستدرک حاکم* را به دلیل مجهول بودن برخی راویان ضعیف دانسته‌اند (غزالی السقا، ۱۴۲۷ق، ص ۲۳۲). از تعدد نقل این حدیث در منابع اهل سنت اطمینان یا ظن به صدور آن حاصل نمی‌شود، بلکه در صورت پذیرش دلالت آن، صرفاً به عنوان مؤید در کنار سایر ادله قابلیت طرح دارد.

در مضمون این روایت باید دو نکته را توجه داشت. یکی اینکه استقرار لشکرگاه توسط پیامبر ﷺ در پشت چاه بدر بدون توجیه نظامی در واقع منزلگاهی ابتدایی بوده تا پس از بررسی و مشورت لشکرگاه نهایی تعیین گردد؛ زیرا هر چند پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در رفتارهای سیاسی، اجتماعی و نظامی خود همیشه از علم غیب استفاده نمی‌کردند، اما

تصمیمات و تدابیر آنان در ضمن رعایت موازین الهی مورد تأیید و پذیرش عقلا نیز بوده است. نکته دیگر اینکه جاب‌بن منذر از حاضرین در سقیفه است (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۱). بنابراین احتمال جعلی بودن تأیید نظر او توسط جبرئیل وجود دارد ضمن اینکه این مطلب در *سیره ابن‌هشام* نقل نشده است.

در این جریان نیز هر چند پیامبر ﷺ با گروهی از اصحاب مشورت نموده‌اند اما چون اظهار نظر سایر اصحاب نقل نشده دلالت بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت ندارد.

۱-۶. مواجهه با کفار در مسیر عمره

در سال ششم هجری پیامبر ﷺ به قصد عمره به سمت مکه حرکت کردند مشرکان قریش با اطلاع از این تصمیم ضمن اجتماع در منطقه ذی‌طوی، برای جلوگیری از ورود آن حضرت به مکه سپاهی را نیز پیش فرستادند. پیامبر ﷺ در مورد نحوه مواجهه با مشرکان با اصحاب خود مشورت نمود، که با این سپاهیان وارد جنگ شوند یا از راه دیگری وارد مکه شوند؟ برخی اصحاب از جمله *مقداد، أسید و ابوبکر* آمادگی خود را برای جنگیدن با کفار اعلام نمودند. سایر مسلمانان نیز برای ایستادگی در برابر مشرکان با حضرت بیعت کردند. در نهایت آن حضرت تصمیم جنگ را نپذیرفت و فرمود ما قصد جنگ نداریم، بلکه برای انجام عمره خارج شده‌ایم. این جریان همراه با ذکر سند در *المغازی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۸۱) و در *البدایة و النهایه* با اندکی تفاوت نقل شده (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۹۷) که در نهایت سند آن ضعیف است. اما در کنار سایر ادله به عنوان تأیید قابلیت طرح دارد.

در جریان این مشورت پیامبر ﷺ در نهایت نظر اصحاب و مشورت‌دهندگان را نپذیرفتند و تصمیم به صلح گرفتند، درحالی‌که برای برخی اصحاب گران آمد و آن را مایه سرافکندگی دانستند. در این جریان نیز عدم تبعیت پیامبر ﷺ از نظر اکثریت دلالت بر عدم اعتبار آن دارد.

۱-۷. نصب منجیق در جنگ طائف

در ایام محاصره قلعه طائف پیامبر ﷺ برای شکست مقاومت دشمن و فتح قلعه با اصحاب مشورت کردند. *سلمان فارسی* برای جلوگیری از طولانی شدن مدت محاصره برای فتح قلعه با تجربه خود از جنگ‌های ایران نصب منجیق را پیشنهاد داد که مورد قبول واقع گردید. این مورد فقط در *المغازی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۲۷). نقل شده که بنابراین از نظر سند ضعیف است. در این جریان هر چند جمعی از اصحاب طرف مشورت بودند؛ اما چون نظر سایر افراد یا نظر اکثریت نقل نشده بدین جهت بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت دلالتی ندارد.

۱-۸. تصمیم بازگشت از تبوک

در سال نهم هجری وقتی خبر حرکت لشکر روم به طرف «بلقاء» به پیامبر ﷺ رسید آن حضرت با تجهیز سریع نیروهای خود با سپاهی سی‌هزار نفره در «تبوک» اردو زدند. سران روم با اطلاع از حرکت سپاه بزرگ مسلمانان و شهامت و فداکاری آنان تصمیم به بازگرداندن لشکر به داخل کشور گرفتند.

پس از عقب‌نشینی روم، پیامبر ﷺ در مورد پیش‌روی در خاک دشمن با اصحاب خود مشورت کردند. خلیفه دوم عرض کرد که اگر چنانچه مأمور به رفتن شده‌اید عمل نمایید. آن حضرت در جواب فرمودند: اگر مأمور بودم، با شما مشورت نمی‌کردم. آنگاه او با توجه به ترسیدن رومیان پیشنهاد بازگشت به مدینه را داد که مورد قبول آن حضرت قرار گرفت. این جریان نیز فقط در *المغازی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۱۹) نقل شده که از نظر سند ضعیف است. در این جریان هر چند پیامبر ﷺ با گروهی از اصحاب مشورت کردند اما نظر سایر افراد یا نظر اکثریت نقل نشده بنابراین در موضوع اعتبار رأی اکثریت دلالتی ندارد.

۱-۹. تصمیم بازگشت از طائف

از دیگر موارد مشورت‌های پیامبر ﷺ نظرخواهی آن حضرت با اصحاب در ایام محاصره طائف است. با گذشت پانزده شب از محاصره دژ طائف پیامبر ﷺ در مشورت با نوفل بن معاویه نظر و عقیده او را جویا شدند. او نیز ساکنان دژ طائف را به روباه در لانه تشبیه کرد که اگر بمانند او را می‌گیرند و اگر رهایش کنند خطری ندارد. آن حضرت نیز اجازه اعلان حرکت و بازگشت بین سپاهیان را داد که صدای اعتراض مسلمین بلند شد.

بار دیگر پیامبر ﷺ به مسلمانان اجازه جنگ دادند. مسلمانان نیز با تجهیز مجدد جنگ را شروع کردند که در حین جنگ نیز برخی زخمی شدند. آن حضرت با وعده اینکه به خواست خدا دوباره باز خواهیم گشت مجدداً دستور بازگشت صادر کردند که مورد قبول مسلمین قرار گرفت. این مورد نیز فقط در *المغازی* (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۳۶ و ۹۳۷) همراه با بیان سند نقل شده که از نظر سند ضعیف است. در این جریان پیامبر ﷺ با یکی از اصحاب مشورت نمود که به موضوع رأی اصلاً دلالتی ندارد.

۱-۲. مشورت در امور عمومی و اجتماعی

در سیره پیامبر ﷺ مشورت‌هایی در امور اجتماعی و عمومی - غیر امور نظامی و جنگ - در منابع روایی و تاریخی نقل کرده‌اند. /بوهیره ادعای انحصار مشورت‌های آن حضرت در امور نظامی و جنگ را نموده است (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۸۰ و ۵۸۱). درحالی که آیه ۱۵۹ سوره «أل عمران» که به پیامبر ﷺ دستور مشورت با مردم را می‌دهد اطلاق آن شامل مشورت در امور نظامی و غیرنظامی می‌شود. همچنین روایت نقل شده با سند صحیح از امام رضا ع که ایشان با مشاهده تعجب یکی از یاران خود از مشورت ایشان برای انتخاب خدمت‌کار با ناراحتی به سیره پیامبر ﷺ اشاره کردند که آن حضرت همواره بعد از مشورت با اصحاب تصمیم به انجام کارها می‌گرفتند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۱). بنابراین حتی اگر همه مشورت‌های پیامبر ﷺ در امور عمومی و اجتماعی از نظر سند صحیح نباشد این ادعای /بوهیره به دلیل مخالفت با آیه قرآن و روایت امام رضا ع مخدوش خواهد بود.

در ادامه پنج مورد از مشورت‌های پیامبر ﷺ در امور اجتماعی و عمومی از نظر سند و دلالت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

وقتی آیه دوازدهم سوره «مجادله» (آیه نجوا) نازل شد پیامبر ﷺ ضمن مشورت با امیرمؤمنان ﷺ در تعیین مقدار صدقه، پیشنهاد یک دینار و سپس نیم دینار را مطرح کردند که امیرمؤمنان ﷺ آن را به دلیل عدم طاقیت اصحاب زیاد دانستند. در نهایت خود امیرمؤمنان ﷺ یک دانه جو را برای صدقه پیشنهاد دادند که پیامبر ﷺ آن را پذیرفت. ابن جریران را سنن ترمذی (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۴۰۶)، سنن الکبری (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۵۲) و صحیح ابن حبان (ابن حبان، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۹۱) از علی بن علقمه از امیرمؤمنان ﷺ نقل کرده‌اند. برخی حدیث‌پژوهان اهل سنت آن را به خاطر علی بن علقمه ضعیف دانسته‌اند (همان، ج ۱۵، ص ۲۹۱ و ۳۹۰). این روایت از یک‌سو سند آن ضعیف است. و از سوی دیگر مضمون آن با آنچه در منابع شیعه نقل شده که امیرمؤمنان ﷺ تنها نجواکننده با پیامبر ﷺ بود سازگاری ندارد (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵۷). بنابراین این روایت از نظر سند و دلالت فاقد حجیت، و قابل استدلال نیست.

۱-۲-۲. تهمت به همسر پیامبر ﷺ

در ماجرای تهمت به عایشه نیز ادعای مشورت پیامبر ﷺ با اصحاب را کرده‌اند. منابع اهل سنت نقل می‌کنند که در مسیر بازگشت از غزوه بنی‌المصطلق عایشه در یکی از استراحت‌گاه بین راه از سپاه مسلمین جا می‌ماند، یکی از اصحاب او را می‌بیند و صبح فردا او به پیامبر ﷺ می‌رساند. بعد از بازگشت به مدینه منافقین به عایشه تهمت می‌زنند و باعث سردی رفتار پیامبر ﷺ با او می‌شود. پیامبر از اصحاب خود نظرخواهی می‌کنند. اسامه به پاکی او گواهی می‌دهد و امیرمؤمنان ﷺ نیز پیشنهاد تحقیق از کنیز عایشه را می‌دهند و کنیز عایشه نیز به پاکی این همسر پیامبر شهادت داد. شان نزول آیه یازدهم سوره را نیز در همین جریان برای اثبات بی‌گناهی عایشه دانسته‌اند. این موضوع را با اندک تفاوت‌هایی، صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۱۰۷)، المغازی (واقفی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۳۲-۴۲۶)، السیره النبویه (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۰۰-۳۰۲) تاریخ طبری (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۴-۶۱۶) نقل کرده‌اند.

این جریان علاوه بر ضعف سند از نظر مضمون به دو دلیل صحیح نیست یکی اینکه در منابع شیعه شأن نزول این آیه در مورد تهمت به ماریه قبطیه همسر دیگر پیامبر ﷺ نقل شده و این روایت اهل سنت را نپذیرفته‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۹). دیگری اینکه این مشورت با مقام عصمت پیامبر ﷺ سازگار ندارد؛ زیرا قسمت‌هایی از این نقل نشان از تأثیر پذیرفتن پیامبر ﷺ از این شایعه و تغییر رفتار آن حضرت با عایشه دارد که این رفتار با کسی که دلیل و گواهی بر اتهام او وجود ندارد نه تنها با مقام عصمت بلکه با مقام یک فرد مؤمن نیز سازگار نیست و توییح در آیه مذکور نسبت به افرادی که تحت تأثیر این شایعه قرار گرفته‌اند شامل آن حضرت نیز خواهد شد که دلیل دیگری بر نادرستی این مورد خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۶۶۳-۶۶۸).

بنابراین این روایت علاوه بر ضعف سند به دلیل عدم سازگاری مضمون آن با مقام عصمت پیامبر ﷺ و نقل متفاوت آن در منابع شیعه مخدوش و قابل استدلال نیست.

۱-۲-۳. نصب کارگزاران

در منابع اهل سنت در روایتی امیرمؤمنان رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که اگر بنا داشتیم کارگزاران را بدون مشورت نصب کنیم، هرآینه عبدالله بن مسعود را منصوب می‌نمودم. این روایت چنین القا می‌کند که آن حضرت همواره در تعیین کارگزاران حکومتی با اصحاب مشورت داشته‌اند. این روایت در *مسند احمد* (حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۵، ح ۷۳۹)، *سنن ابن ماجه* (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹) و *سنن ترمذی* (ترمذی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۳۶) از حارث بن عبدالله الأعمور نقل شده که حدیث پژوهان اهل سنت آن را ضعیف دانسته (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹) و برخی نیز تصریح به ضعیف بودن او کرده‌اند (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۴۰)؛ اما در *مستدرک حاکم* این روایت را عاصم بن ضمره از امیرمؤمنان رضی الله عنه نقل می‌کند و سند آن را صحیح می‌داند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۹). درحالی که برخی عاصم را ضعیف دانسته‌اند (همان) و برخی نیز این نقل را همان نقل حارث اعمور دانسته‌اند (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۴۰). بنابراین این روایت علاوه بر ضعف سند، به دلیل تعبیر «استخلاف» که شبیه ادبیات سیاسی اهل سنت بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است، احتمال جعلی بودن وجود دارد و قابل استدلال نیست.

۱-۲-۴. ساختن منبر برای پیامبر صلی الله علیه و آله

در برخی منابع چنین نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت ایستاده و با تکیه بر ستونی به ایراد خطبه می‌پرداختند. آن حضرت سختی خطبه خواندن به این صورت را برای اصحاب بیان فرمود و با آنان در این زمینه مشورت نمود. یکی از اصحاب براساس آنچه در شام دیده بود پیشنهاد ساخت منبر را مطرح، و اجازه ساخت آن را تقاضا نمود. ایشان نیز بعد از مشورت با مسلمانان و نظر مساعد آنان اجازه دادند (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

این جریان نیز علاوه بر ضعف سند به دلیل تعارض با روایت‌های متعدد دیگری در این موضوع (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۹۵ و ۹۶) فاقد حجیت است و قابل استدلال نیست.

۱-۲-۵. اعلان اوقات نماز

در موضوع نحوه اعلان اوقات نماز و فراخواندن مسلمین به نماز جماعت روایتی نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در این موضوع با اصحاب مشورت نمودند، یکی از اصحاب شیپور و دیگری ناقوس را پیشنهاد کرد که آن حضرت چون آنها برای یهود و نصاری بود نپسندید. در همان شب مردی از انصار و خلیفه دوم اذان را در خواب دیدند. مرد انصاری شبانه نزد آن حضرت رفته و خواب خود را بازگو می‌کند. ایشان نیز به بلال دستور داد که همان جملات را به عنوان اذان بگوید. بلال نیز با اضافه کردن تعبیر نماز بهتر از خواب است اذان می‌گوید که مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. خلیفه دوم نیز به پیامبر عرض می‌کند که یا رسول الله من هم مثل این خواب را دیده بودم ولی او بر من سبقت گرفت (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۳).

این مشورت علاوه بر ضعف سند، و نشانه‌های واضح جعلی بودن، با روایات شیعه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵،

ص ۳۶۹ و ۳۷۰) در موضوع تعلیم اذان توسط جبرئیل سازگاری ندارد. بنابراین از اساس فاقد حجیت و غیرقابل استدلال خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مشورت‌های نقل‌شده از پیامبر ﷺ در منابع روایی و تاریخی با رویکرد فقهی مورد ارزیابی صدور و دلالتی قرار گرفت که با در نظر گرفتن ماهیت مشورت مواردی که در واقع واگذاری امور به اصحاب و یا اظهارنظر آنها بدون نظرخواهی از سوی پیامبر ﷺ بودند از شمار مشورت‌های آن حضرت کنار گذاشته شد. در نهایت مشورت‌های آن حضرت در ضمن دو بخش «مشورت در امور نظامی» و «مشورت در امور عمومی و اجتماعی» از نظر سند و دلالت مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت که مشورت‌های نقل‌شده از پیامبر ﷺ در «امور عمومی و اجتماعی» همه در منابع اهل سنت نقل شده و به دلیل ضعیف بودن سند، احتمال جعل، مخالف با روایات شیعه فاقد حجیت و غیرقابل استدلال هستند. اما نه مشورت آن حضرت در امور نظامی و جنگ از نظر سند برخی موارد با بررسی سند و شیوه تجمیع قرائن اطمینان به صدور آنها حاصل می‌شود. برخی با تجمیع قرائن ظن و احتمال قوی به صدور آنها به دست می‌آید و برخی نیز از نظر صدور ضعیف هستند که در کنار سایر ادله به عنوان تأیید قابل استدلال خواهند بود.

در این میان سه مورد «نحوه مواجهه با مشرکان در جنگ بدر»، «نحوه رویارویی با مشرکان در جنگ احد» و «مواجهه با کفار در مسیر عمره» دلالت بر عدم اعتبار رأی اکثریت دارند و سایر موارد برخی دلالت بر اعتبار یا عدم اعتبار رأی اکثریت ندارند و برخی نیز رأی اکثریت در آن مطرح نیست.

بنابراین دولت اسلامی ضمن اینکه از مشورت با افراد گوناگون در ساحت‌های گوناگون حکمرانی بهره‌مند می‌گردد، خود را در تنگنای لزوم تبعیت از رأی اکثریت قرار نمی‌دهد، بلکه با در نظر گرفتن شرایط و مصالح تصمیم‌نهایی را اتخاذ می‌نماید.

منابع

- ابن حبان دارمی، محمد بن حبان، ۱۴۰۸ق، *الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان*، تحقیق شعيب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، *مسند احمد بن حنبل*، تحقیق سید ابوالمعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۳۷۹ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقانیس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۸ق، *البدایة والنهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۱۱ق، *السیرة النبویة*، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دار الجیل.
- اراکي، محسن، ۱۴۲۵ق، *نظریة الحکم فی الإسلام*، قم، مجمع اندیشه اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، *صحیح البخاری*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، چ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- ترمذی، محمد بن عیسی، بی تا، *جامع صحیح سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمدشاکر و آخرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت.
- حسینی حائری، سید کاظم، ۱۳۹۹ق، *أساس الحکومة الإسلامیة*، بیروت، مطبعة النیل.
- حیدری خراسانی، محمدجواد، ۱۳۷۷، «مشورت در سیره پیامبر ﷺ»، *فرهنگ کوثر*، ش ۲۴، ص ۱۶-۲۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار العلم.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *فروع ابدیت*، چ بیست و یکم، قم، بوستان کتاب.
- سلطانی رزانی، سید مهدی، ۱۳۸۸، «مشورت در سیره نبوی ﷺ»، *فرهنگ کوثر*، ش ۷۹، ص ۴۳-۵۱.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.
- _____، ۱۹۹۳م، *الدر المشور*، بیروت، دار الفکر.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- _____، ۱۳۹۰ق، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، چ سوم، تهران، اسلامیة.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، *تاریخ الأمم والرسول والملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- غزالی السقا، محمد، ۱۴۲۷ق، *فقه السیرة*، تخریج الاحادیث، محمد ناصرالدین البانی، دمشق، دار العلم.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تهران، الصدر.
- قاضی زاده، کاظم، ۱۳۷۵، «پژوهشی درباره تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، *بینات*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۱۴-۱۳۸.
- قزوینی، محمد بن یزید، بی تا، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفکر.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، چ سوم، قم، دار الکتب.
- کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، *رجال الکشی*، مشهد، دانشگاه مشهد.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسلم بن الحجاج النیسابوری، بی تا، *المسند الصحیح المختصر*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *امامت و رهبری*، چ بیستم، تهران، صدرا.

- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۶، «رهبری و زعامت سیاسی در اسلام»، *حکومت اسلامی*، ش ۳، ص ۱۸۷.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق - الف، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- _____، ۱۴۱۳ق - ب، *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقزی، احمدبن علی، ۱۴۲۰ق، *امتناع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹ق، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة*، قم، تفکر.
- نجاشی، احمدبن علی، ۱۴۰۷ق، *رجال نجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نسائی، احمدبن شعیب، ۱۴۱۱ق، *سنن الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- واقدی، محمدبن عمر، ۱۴۰۹ق، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، چ سوم، بیروت، دار الأعلمی.
- ورعی، سیدجواد، ۱۳۸۰، «مشورت حق مردم و وظیفه حکومت»، *حکومت اسلامی*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۸۴-۱۱۴.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، بی‌تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر.